

با حکم معاون سیما، منصور قصری‌زاده به‌عنوان مدیر شبکه قرآن و معارف سیما منصوب شد. به گزارش روابط عمومی و رسانه‌های نوین معاونت سیما، معاون سیما در این حکم بر تقویت جایگاه شبکه قرآن و معارف سیما در حوزه تلاوت و آموزش قرآن کریم، تولید و ترویج برنامه‌های قرآنی و دینی و پاسخگویی به نیازهای مخاطبان در این حوزه تاکید کرده است. در متن حکم

منصور قصری‌زاده مدیر شبکه قرآن و معارف سیما شد



راه‌تاز؛ نمایش ابر پروژه‌های ایران

پویان کمایی، تهیه‌کننده در گفت‌وگو با روزنامه «جام جم» از چالش‌های امنیتی تولید و نحوه بازنمایی غرور ملی در مستند جدید شبکه ۳ می‌گوید

روشن از چرخه پیشرفت و امیدآفرینی در مناطق کمتر دیده شده ارائه دهد و اهمیت پیوند زیرساخت‌های ملی با ژئوپلیتیک توسعه منطقه‌ای را به هنر زبان برای عموم مخاطبان تبیین کند. پویان کمایی تهیه‌کننده این مجموعه درباره ماهیت و جزئیات پخش برنامه به جام جم گفت: راه‌تاز مستند سفرنامه‌ای ۱۲ قسمتی است که هر قسمت آن ۵۰ دقیقه زمان دارد و علاوه بر پخش از شبکه سه سیما، شبکه‌های سحر و برون مرزی نیز همزمان آن را با همان زمان ۵۰ دقیقه پخش می‌کنند و هدف اصلی ما از روز اول تولید، پخش در شبکه سه بود.

وی افزود: سازمان برنامه و بودجه دوست داشت پروژه‌های عمرانی کشور نه فقط پروژه‌های مربوط به این دولت بلکه پروژه‌هایی که از بعد از انقلاب داشته‌ایم و در لایه‌لای کار به آنها اشاره شده و باعث افتخار و غرور هر ایرانی است دیده شود و ما نیز تلاش کردیم این پروژه‌ها را در قالب مستند معرفی کنیم تا این دستاوردهای بزرگ در دیدرس همگان قرار گیرد.

چالش‌های امنیتی وتوقف ناگهانی

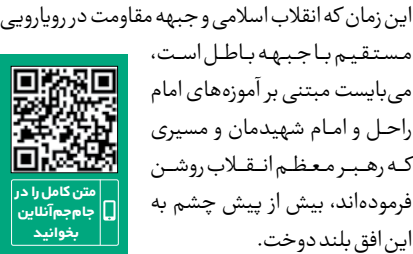
وی درخصوص روند تولید و چالش‌های امنیتی که مسیر ساخت را دشوار کرد، اظهار داشت: تصویربرداری این اثر از زمستان سال گذشته با آغاز کار در چابهار و استان سیستان و بلوچستان شروع شد و پس از آن به استان هرمزگان رفتیم اما در اسفندماه و در مسیر

عسویه به بوشهر، با وقوع حوادثی که در قالب جنگ تحمیلی و تهدیدات امنیتی ناشی از اقدامات رژیم صهیونیستی و آمریکا بروز کرد، پروژه در مسیر بوشهر متوقف شد.

وی ادامه داد: به‌دلیل حساسیت بسیار بالای پروژه‌های عمرانی کشور و شرایط امنیتی موجود، نیم اسفندماه مجبور شدیم به‌صورت زمینی از شیراز به تهران بازگردیم تا امنیت تیم و تجهیزات حفظ شود. کمایی افزود: با وجود تمام این چالش‌ها و موانع پیش رو، از خردادماه امسال دوباره تولید را از سر گرفتیم و ضبط را به خوزستان بردیم تا روند پس‌تولید و تدوین آغاز شود و در حالی که ابتدا قرار بود برنامه برای عید نوروز پخش شود اما با لطف مدیران شبکه سه واداره کل راهبردی تصمیم بر این شد که در هفته دولت و در یک کنداکتور ۱۲ روزه، هر شب ساعت ۱۹:۳۰ روی آنتن برود.

تغییر فرمت از مسابقه به مستند

کمایی در ادامه درباره تغییر ساختار برنامه و پروژه‌های نمایش داده شده گفت: کانسپت اولیه ما به‌صورت مسابقه طراحی شده بود که در آن بازیگران به پروژه‌ها می‌رفتند و در گرده‌هایی‌های شبانه جلوی مردم بومی آن منطقه به نقد و بررسی می‌پرداختند اما به‌دلیل تغییر شرایط کشور و جنگ، ما آئیم‌ها مسابقه را حذف و صرفاً یک مستند سفرنامه طراحی کردیم که در آن خبری از روایت مسابقه و رقابت نیست و مخاطب فقط شاهد تماشای پروژه‌هاست. مادر این مسیر پروژه‌های بسیار مهمی را به‌تصویر کشیدیم.



به گفته وی این مستند در روایت شکوه پروژه‌های زیربنایی پهنه جنوبی ایران، نگاهی دقیق و ملموس به شریان‌های حیاتی توسعه کشور دارد. دوربین این مجموعه از ظرفیت‌های عظیم بندری و لجستیکی کشور نظیر بندر شهید رجایی به‌عنوان دروازه اصلی تجارت ایران و بندر شهید بهشتی چابهار به‌عنوان تنها بندر اقیانوسی و نقطه ثقل کریدور شمال-جنوب عبور می‌کند. در این مسیر، پروژه‌های راهبردی مانند «راه‌آهن چابهار-زاهدان»، «پالایشگاه میعانات گازی ستاره نفت خلیج فارس»، «صنایع کشتی‌سازی بندرعباس»، «مجموع‌های پتروشیمی» و «فولاد کاوه» نه‌تنها ابعاد صنعتی و فنی کشور بلکه تکیه‌گاه‌های اصلی اقتصاد ملی و صنعتی را به‌تصویر می‌کشند.

کمایی توضیح داد: راه‌تاز تنها به صنعت و زیرساخت‌های کلان محدود نمانده است. این سفرنامه با ورود به استان‌های سیستان و بلوچستان و خوزستان، لایه‌های انسانی و اجتماعی توسعه را نمایان می‌کند. از پروژه‌های زیرساختی، احداث بیمارستان‌ها و طرح‌های مسکن‌سازی در مرادآباد سیستان و بلوچستان گرفته تا چندین پل مواصلاتی و پروژه‌های نفتی در استان خوزستان، همگی در این مستند روایتگر تلاش خستگی‌ناپذیر برای آبادانی مناطق کمتربرخوردار هستند.

به باور وی این نگاه جامع که در نهایت با نمایش یک مدرسه بسیار شبکل و استاندارد در قسمت هفتم به اوج می‌رسد، نشان‌دهنده آن است که هدف راه‌تاز، تنها نمایش دودکش‌های صنعت نیست بلکه ترسیم‌سیمای پیشرفت و امید در کنار توجه به زیرساخت‌های انسانی و آینده‌سازان این سرزمین است؛ پروژه‌ای که موفق شده میان صلابت سازه‌های مهندسی و لطافت روح زندگی در ایران امروز، پیوندی هنرمندانه برقرار کند.

تیم اجرایی و چهره‌های همراه در مسیر سفر

وی درخصوص تیم اجرا و حضور چهره‌های شناخته شده گفت: پرمان بازغی گرداننده کار بود و از نظر زمانی بیشتر با ما همراه بود. زیراستایل او کاملاً با روحیات سفردوست این برنامه سازگار است و در کنار او، شهرام قانندی، علی مشهدی، سیروس میمنت، فرهاد جم و شهرزاد کمال‌زاده حضور داشتند و شهرام شبکیا نیز در تمام قسمت‌ها و به‌ویژه در چهار قسمت پایانی در کنار گروه بود.



متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

جام جم

رسانه

MEDIA

یکشنبه ۱۵ شهریور ۱۴۰۵ شماره ۷۴۰۹

یادداشت

سید جلال رضوی مهر رئیس مجمع نمایندگان طلاب و فضلای حوزه علمیه

مخالفت با صداوسیما

انکار شعار وفاق ملی است

هرگونه مخالفت با صداوسیما از ناحیه دولتمردان، انکار شعار وفاق است. آنچه طبیعت جنگ‌ترکیبی ایجاد می‌کند، تجهیز همه قدرت، توانایی و داشته‌های ما علیه دشمن است و نباید هیچ‌کدام از این‌اهرم‌ها مورد تضعیف قرار گیرد. رسانه‌ملی متعلق به ملت شریف ایران است و جسارت به آن، جسارت به محضر ملت شریف و بزرگ ایران اسلامی است. دولتمردان نباید در وادی تحزب‌گرایی و اردو‌کشی سیاسی قرار گیرند. امروز هم و غم همه باید بر محور وحدت، انشاجام و یکپارچگی قرار گیرد. در دستگاه‌هایی هم که ضعفی مشاهده می‌کنیم، نباید امروز با ذره‌بینی بزرگ‌نمایی شود تا دشمنان سوءاستفاده کنند. طبیعت کار این است که سلايق مختلف نمی‌توانند مدیریت یک نهاد واحد را بر عهده بگیرند؛ آن‌هم سلايقي که از بیانیه‌ها و مخالفت‌های‌شان گرایش جریان سیاسی و موضع‌گیری خاص سیاسی احساس می‌شود. صداوسیما امروز یکی از بزرگ‌ترین محورهای مبارزه با کمپانی‌های دروغ‌ساز دشمن بوده و در این زمینه شهادی عزیزی را تقدیم اسلام کرده؛ شهادی که هرگز نباید تلاش‌های‌شان نادیده گرفته شود. این‌که دشمن به صداوسیما حمله می‌کند و امروز در معرض جنگ مستقیم دشمن قرار گرفته است، حکایت از صلابت رسانه‌ملی و حرکت آن در مسیر صحت، اطمینان و اعتماد دارد. باید قدردان دستان هنرمندان، معجران خوب، مدیریت عالی و همه کسانی بود که موجب شدند ما حضور ملت شریف را در خیابان‌ها ملاحظه کنیم. همچنین میزگردهایی را ببینیم که در تحلیل و تبیین اوضاع کنونی، به ملت فهیم ایران اسلامی بالندگی و ترغیب بیشتری می‌بخشد. همه اینها از زحماتی است که امروز رسانه‌ملی متحمل شده و نباید صداوسیما و مجموعه رسانه‌ای کشور را هوچی‌گری‌های بعضی افراد معلوم الحال و گروه‌های سیاسی مطرود، از صحنه خارج‌شود.



متن کامل را در جام جم آنلاین بخوانید

فولاد در نقطه عطف تاریخی؛ جهان پس از یک میلیارد تن چین

تحلیلی بر حال و آینده صنعت فولاد در جهان، خاورمیانه و ایران

به قلم: امین ابراهیمی، مدیرعامل شرکت فولاد خوزستان و نایب‌رئیس انجمن تولیدکنندگان فولاد ایران



صنعت فولاد جهان در حال عبور از یک نقطه عطف تاریخی است؛ نقطه‌ای که شاید اهمیت آن با گذار دهه ۱۹۷۰ میلادی زمانی که مرکز نقل فولاد از غرب به شرق آسیا منتقل شد قابل مقایسه باشد. پس از بیش از دو دهه که «رشد چین» تنها روایت مسلط این صنعت بود، آمارهای رسمی انجمن جهانی فولاد (worldsteel) اکنون تصویری متفاوت پیش روی ما می‌گذارد: تولید فولاد خام جهان در سال ۲۰۲۵ با کاهش معنادار به یک میلیارد و ۸۴۹ میلیون تن رسید و متوسط رشد سالانه این صنعت در دوره ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ برای نخستین بار در ربع قرن اخیر منفی ۰.۴ درصد ثبت شد.

به بیان ساده، عصر رشد کُنی فولاد به پایان رسیده و عصر رقابت بر سر «کیفیت، کربن و بازار» آغاز شده است. من به‌عنوان کسی که بیش از بیست سال در زنجیره فولاد، معدن و متالورژی این کشور خدمت کرده‌ام، معتقدم فهم درست این گذار، مرز میان بنگاه‌هایی است که دهه آینده را خواهند ساخت و بنگاه‌هایی که تنها خاطره‌ای از آن‌ها خواهد ماند.

بخش اول: جهان – سه زلزله همزمان

۱. زلزله چین: از موتور تقاضا به موج صادرات

مهم‌ترین رویندا سازخانری بازار جهانی، دگردیسی نقش چین است. تولید فولاد چین در سال ۲۰۲۵ به ۹۶۰.۸ میلیون تن رسید و پس از سال‌ها به زیر مرز روانی یک میلیارد تن بازگشت؛ اما نکته تعیین‌کننده، سمت تقاضاست؛ مصرف ظاهری فولاد چین از ۹۵۴ میلیون تن در سال ۲۰۲۱ به ۷۹۶ میلیون تن در سال ۲۰۲۵ سقوط کرده است. برپزشی ۱۵۸ میلیون تنی در چهار سال که ریشه در بحران ساختاری بخش اسلاک و تغییر مدل توسعه این کشور دارد.

حاصل این شکاف میان تولید و مصرف، بزرگ‌ترین موج صادراتی تاریخ صنعت فولاد است؛ چین در سال ۲۰۲۵ معادل ۱۲۳.۶ میلیون تن فولاد صادر کرده؛ رقمی که به‌تنهایی از مجموع تولید سالانه آلمان، ترکیه، برزیل و ایران بیشتر است. این سیل صادراتی، قیمت‌های جهانی را در همه حلقه‌های زنجیره از بیلت و اسلب تا محصولات تخت تحت فشار قرار داده و حاشیه سود فولادسازان را در چهار قاره فشرده کرده است. فولادسازان بزرگ چینی نیز خود به تداوم این

آمار رسمی انجمن جهانی فولاد برای سال ۲۰۲۵ گویای این واقعیت است:

ایران با تولید ۳۲ میلیون تن، دهمین فولادساز بزرگ جهان است و علی‌رغم تمام محدودیت‌های انرژی و فشار تحریم، تولید خود را نسبت به سال قبل افزایش داده است. ایران با تولید ۲۷.۲ میلیون تن آهن اسفنجی، دومین تولیدکننده بزرگ DRI جهان است و به‌تنهایی ۷۰ درصد DRI خاورمیانه را تولید می‌کند.

ایران با صادرات ۱۲.۵ میلیون تن، دهمین صادرکننده فولاد جهان و با ۱۲ میلیون تن صادرات خالص، چهارمین صادرکننده خالص فولاد جهان. پس از چین، ژاپن و کره جنوبی است. ۹۲ درصد فولاد ایران با روش احیای مستقیم و کوره قوس الکتریکی تولید می‌شود؛ کم‌کربن‌ترین ساختار تولید در میان ده فولادساز برتر جهان.

این آخرین مورد را باید با دقت خواند. در جهانی که میلنگین انتشار صنعت فولاد ۱.۹۲ تن دی‌اکسید کربن به‌زای هر تن فولاد است و اروپا برای هر تن کربن سرزی هزینه مطالبه می‌کند، مسیر تولید EAF-DRI ایران که روزی آن را «جایز ناشی از گاز ارزان» می‌خواندند، امروز یک سرمایه راهبردی ملی است. ما به‌صورت تاریخی، ده‌ها پیش از آنکه «فولاد سبز» به واژگان صنعت جهانی راه یابد، زیرساخت آن را ساخته‌ایم.

اما صداقت تحلیلی حکم می‌کند چالش‌ها را نیز به هسته صراحت بگویم:

نخست، ناترازی انرژی. بزرگ‌ترین ریسک صنعت فولاد ایران نه در بازار جهانی، که در شبکه برق و گاز داخلی است. صنعتی که ظرفیت ایستادن در جمع پنج قدرت برتر فولاد جهان را دارد، نباید تابستان‌ها برق و زمستان‌ها گاز آن قطع شود. سرمایه‌گذاری فولادسازان در نیروگاه‌های اختصاصی و تجدیدپذیر آغاز شده، اما بدون یک پیمان ملی انرژی-صنعت، این مسیر به سرانجام نمی‌رسد.

دوم، اقتصاد تحریم. فروش با تخفیف نسبت به قیمت‌های منطقه‌ای، سالانه میلیاردها دلار از ارزش واقعی صادرات ما می‌کاهد. پاسخ ما باید ارتقای سبب محصول و سمت ارزش افزوده بالاتر، تنوع بازارها و ساختن برند کیفی و کربنی برای فولاد ایران باشد.

سوم، رقابت مستقیم با چین. موج ۱۲۳ میلیون تنی صادرات چین، دقیقاً در بازارهای هدف ما جنوب شرق آسیا، خاورمیانه و شمال آفریقا سیریز می‌شود.

در رقابت قیمتی خالص با چین، هیچ برنده‌ای وجود ندارد؛ میدان رقابت ما باید کیفیت، سرعت تحول، مزیت جغرافیایی و ردپای کربن باشد.

اروپا تا افریقای جنوبی با عوارضی تا ۲۸ درصد بازار جهانی را به سمت «بلوک‌های منطقه‌ای» سوق می‌دهد. تعطیلی تولید فولاد آرسلورمیتال در دوپسبورگ آلمان و یارانه سالانه ۵۵ میلیارد یورپی برق دولت آلمان به صنایع، عمق بحران رقابت‌پذیری اروپا را نشان می‌دهد.

جمع این سه زلزله یک نتیجه دارد: در دهه پیش رو، فولاد نه بر اساس «تن»، بلکه بر اساس «تن منهای کربن» به‌علاوه دسترسی به بازار» قیمت‌گذاری خواهد شد.

بخش دوم: خاورمیانه، استثنای درخشان جهان

در جهانی که منقبض می‌شود، خاورمیانه خلاف جریان آب شنا می‌کند و به عقیده من، به «آزمایشگاه آینده فولاد جهان» تبدیل شده است. آمارها گویاست: مصرف ظاهری فولاد منطقه از ۵۱.۶ میلیون تن در سال ۲۰۲۱ به ۶۱.۸ میلیون تن در سال ۲۰۲۵ رسیده. رشدی ۲۰ درصدی در چهار سال. درست در دوره‌ای که مصرف جهانی نزولی بوده است. تولید فولاد منطقه نیز به ۵۷.۳ میلیون تن و تولید آهن اسفنجی آن به رکورد ۵۳.۲ میلیون تن رسیده است.

اما مهم‌ترین ویژگی فولاد خاورمیانه، ساختار تولید آن است: ۹۵.۵ درصد فولاد این منطقه با روش کوره قوس الکتریکی (EAF) تولید می‌شود. پاک‌ترین پروفایل تولید در میان تمام مناطق جهان در اقتصاد کربنی جدید، این یک مزیت راهبردی بی‌بدیل است؛ منطقه‌ای که غرب ده‌ها آن را صرفاً منبع انرژی می‌دید امروز ظرفیت آن را دارد که «قطب فولاد سبز جهان» شود.

ترکیب بازار منطقه نیز برای فعالان صنعت درس‌آموز است: عربستان سعودی با ۱۰.۸ میلیون تن تولید به رتبه هجدهم جهان صعود کرده، اما همچنان با ۷.۶ میلیون تن واردات خالص، بازری تشنه است که پروژه‌های چشم‌انداز ۲۰۳۰ آن را تشنه‌تر می‌کند.

امارات با ۱۱ میلیون تن واردات خالص، نهمین واردکننده بزرگ جهان است

عراق با ۴.۷ میلیون تن واردات خالص، بازار طبیعی همسایگان خود است. ترکیه با ۳۸.۱ میلیون تن تولید، هفتمین فولادساز جهان و همزمان یکی از بزرگ‌ترین واردکنندگان شمش و قراضه است. این اعداد بک واقعیت دوگانه را نشان می‌دهند: خاورمیانه در کوتاه‌مدت و میان‌مدت فرصت صادراتی کم‌نظیری برای تولیدکنندگان منطقه است. اما سرمایه‌گذاری‌های سنگین کشورهای حاشیه خلیج فارس در ظرفیت‌های جدید، پتجره این فرصت را تدریجاً تنگ خواهد کرد. پیام من به فعالان صنعت زوین است: این پتجره را باید امروز تقاضا کرد، نه فردا.

بخش سوم: ایران، قدرتی که کمتر از قدر خود دیده شده

اجازه دهید با صراحت بگویم: جایگاه واقعی فولاد ایران در معادلات جهانی، بسیار فراتر از تصویری است که حتی بسیاری از فعالان داخلی از آن دارند.